حدیث عشق

رسول خدا(ص) فرمود: هر کس که نگاهی مهرآمیز به پدر و مادرش بیفکند به پاداش آن نگاه خداوند برای او ثواب حج مقبول و نیکویی را ثبت می کند.
رسول خدا(ص) فرمود: برای هر درد و مرضی دارو و درمانی هست و اگر داروی درد بجا و درست باشد به اذن و اراده الهی آن مرض بهبود می یابد.
رسول خدا(ص) فرمود: هر یک از شما آیینه برادر خویش است وقتی عیبی در او دید باید آن عیب را از او پاک کند.
رسول خدا(ص) فرمود: بهترین کارها سه چیز است: فروتنی هنگام دولت، بخشش هنگام قدرت و بذل و بخشش بدون منت.
رسول خدا(ص) فرمود: سپاسگزارترین انسان در میان همه مردم کسی است که شکر و سپاس مردم را بیشتر به جای می آورد.

ایست

معاینه فنی

عمده ترین مشکلی که با ظهور مسأله شهرنشینی و استفاده ازوسایل نقلیه به وجود آمده است، ایمنی تردد با وسایل نقلیه و ایجاد زمینه های کاهش تصادفات ناشی از آن بوده است که متخصصان صنایع خودروسازی و کارشناسان اموترافیکی را به این امر واداشته تا با ابداع روشهای جدید، وسایل نقلیه را مورد آزمون فنی قراردهند. درکشور ما نیز از ۱۰ سال گذشته تا به حال این کار به صورت گسترده درحال انجام است. معاینه فنی خودرو در سه مرحله، بازدید بخشهای ظاهری، ارزیابی اصالت وسیله نقلیه و بررسی قسمتهای فنی انجام می شود. همچنین بیشترین تمرکز برنامه جامع کاهش آلودگی هوا، درمقوله کنترل آلودگی ناشی از وسایل نقلیه بوده و با راه اندازی مراکز مکانیزه معاینه فنی سعی می شود آلاینده های خروجی از وسایل نقلیه با استانداردهای سازمان حفاظت محیط زیست تطبیق داده شود تا از تردد وسایل نقلیه که آلودگی بیش از حد مجاز دارند جلوگیری شود. زیرا تحقیقات نشان می دهد، که هزینه ترین و مؤثرترین روش برای کنترل آلودگی هوای شهرها انجام فراگیر معاینه فنی خودروهاست.

چراغ سبز

عابرین پیاده و رعایت حق تقدم

اگر همگان با قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی آشنا باشند و علاوه بر آگاهی، به آن عمل کنند، از بسیاری تخلفات که نتیجه ای جز ایجاد گره های ترافیکی، وقوع تصادف، اتلاف وقت و انرژی ندارند جلوگیری می شود. یکی از موارد مهمی که مشکلات فراوانی را درعبور و مرور ایجادمی کند عدم رعایت حق تقدم ازسوی عابرین پیاده است. متأسفانه این تصور نادرست در اذهان وجوددارد که عابرین پیاده همیشه و درهرمکانی می توانندوارد حریم عبور و مرور وسایل نقلیه شوند. در صورتی که این تصور کاملاً اشتباه بوده وبا مقررات مربوطه درتضاد می باشد. عابرین پیاده تنها مجازند ازمحلهای تعیین شده (گذرگاههای عابرپیاده) که درتقاطع راهها، امتداد پیاده روها در سواره رو یا هرمحل دیگری از سواره رو که به وسیله خط کشی یا میخ کوبی یا سایر علائم جهت عبور عابرین اختصاص داده شده است عبورنمایند. البته عابرین باید توجه نمایند که درصورت وجود چراغ راهنمای عابر، توجه به آن ضروری است. اگر این چراغ به رنگ قرمز بود وحکم به ایست عابر می دادباید اندکی صبر نمایند، تا اجازه عبور آنها توسط چراغ سبز راهنما صادرگردد.

چراغ قرمز

حمل بار در معابر شهری:

حمل بار در خیابانهای سطح شهر تابع مقررات خاص خود است که از سوی رانندگان وسایل نقلیه باربری، باید رعایت شود. «بار» نه تنها ازنظر وزن، طول و عرض باید متناسب با خودروی بارکش باشد، بلکه این اصل در مورد «ارتفاع بار» نیز باید مورد توجه قرار گیرد. زیرا هر خودرویی ظرفیت مشخص برای حمل بار دارد که عدم رعایت آن، مشکل آفرین وخطرساز است به عنوان مثال تعداد قابل توجهی از وانت بارها به حمل کالاهای سنگین، حجیم و بیش از ارتفاع و طول مجاز می پردازند و هر آن احتمال برخورد آنها با سر و صورت رهگذران و یا بدنه سایر وسایل نقلیه و یا ریزش آنها از روی وانت بار وجود دارد. البته این مورد در آیین نامه راهنمایی و رانندگی پیش بینی شده که به بیان آن می پردازیم: وسایل نقلیه مسافربری حق ندارند بارهایی را که از داخل اتاق آنها یا گلگیرها به اطراف تجاوز کرده باشدحمل کنند. بارهای وسایل نقلیه بارکش، نبایستی از قسمت جلوی اتاق بیش از یک متر و از قسمت عقب اتاق بیش از ۲ متر باشد. به هر حال باید علائم لازم وچراغ قرمز خطر در ابتدا و انتهای بار نصب شود؛ شعاع ۲ چراغ قرمز رنگ در آخرین نقطه طرفین عقب بار نصب نمایند به طوری که از فاصله یکصد و پنجاه متری طرفین و عقب وسیله نقلیه مزبور دیده شود و روزها ۲ پرچم یا ۲ پارچه قرمز رنگ که سطح آنها حداقل نیم مترمربع باشد در انتهای بار آویزان کنند. رانندگان باید بارهای وسایل نقلیه را طوری بارگیری نمایند و محکم ببندند که هیچ گونه خطر افتادن یا چکه کردن یا باز شدن ویا پخش شدن در هوا وجود نداشته باشد.
طول و عرض وسائل نقلیه باربری بر طبق مشخصات سازنده وسیله تعیین گردیده ولی ظرفیت آن مطابق نظر افسر کاردان فنی تعیین می شود. ارتفاع هیچ وسیله نقلیه ای به انضمام بار آن از سطح راه نباید از ۴ متر تجاوز کند.

پلاک جدید

هزینه طرح ملی تعویض پلاک

مهمترین سؤالی که برای اکثر هموطنان پیش آمده در خصوص هزینه پرداختی در فراخوان سال ۱۳۷۸ می باشد که بعضاً مورد سؤال واقع می گردد. هموطنان که در فراخوان سال ۷۸ شرکت نموده اند و مدارک آن را همراه داشته باشند هنگام تعویض پلاک خودرو از پرداخت بخشی از هزینه های تعویضی پلاک معاف خواهند شد.

ازدواج دوم مرد

صندلی خالی

شهلا در لباس عروس چقدر زیباتر شده بود. خودش از دیدن خود احساس غرور می کرد. حتماً مادر و پدرش از دیدن شهلا در آن وضعیت احساس خیلی خوبی پیدا می کردند. دربرابر آینه به خودش جرأت داد و کمی سرش را بالاتر گرفت. یونس کنارش نشسته بود و چشمم به میان آینه دوخته بود. شهلا از دیدن نگاه یونس گونه هایش گر گرفت و نگاهش را به سفره عقد دوخت.
درست شش ماه از زندگی مشترکشان می گذشت. یونس از همان هفته اول با رفتارش بی توجهی خود را به شهلا نشان داده بود. شهلا اما همیشه سعی کرده بود که احترام یونس را نگه دارد. بارها شنیده بود که در زندگی کم کم محبت به وجود می آید پس یونس هم اگر محبت و توجه همسرش را می دید بالاخره به او محبت پیدا می کرد و تسلیم عشق او می شد. شهلا از جان و دل برای بهبود شرایط زندگی شان تلاش می کرد.
ـ یونس چرا درخانه این قدر به من بی توجهی می کنی؟
جوابی که از یونس شنیده بود تا مغز استخوانش را سوزانده بود.
ـ زیاد پاپی من نشوا من اصلاً از تو خوشم نمی آید.
به خودش جرأت داده وپرسیده بود:
ـ پس چرا با من ازدواج کردی!
ـ چون مادرم اصرار داشت.
شهلا به مادر یونس پناه برده بود. مادر یونس دلداری اش داده بود.
ـ من پسرم را بهتر از تو می شناسم. خودم بزرگش کرده ام. درست نیست که تو این قدر زود بخواهی با این حرف روحیه اش را از دست بدهی. کجا می توانست دختری به خوبی تو بگیرد. بالاخره مرد است حرفی زده وپشیمان می شود.
شهلا با این حرف به زندگی برگشته بود. او سعی کرده بود که خوب باشد. وقتی نخستین بچه شان به دنیا آمده بود، شهلا با خودش فکر کرده بود:
ـ حالا که یونس پدرشده بیشتر قدر زندگی را می داند. پس دیگر آن فاصله ها بین ما نخواهد بود.
مدتی بعد وقتی برای دومین بار باردار شده بود با یونس دعوایشان شده بود.
ـ از تو خوشم نمی آید.
ـ چرا؟ مگر من چه بدی درحق تو کرده ام؟
ـ من تو را انتخاب نکردم وناچار شدم که با تو ازدواج کنم. به خاطر احترام به حرف مادرم با تو ازدواج کردم. حالا هم دارم تو را و این دو بچه اتا را تحمل می کنم. این قدر حرف نزن وبه کار من کاری نداشته باش.
راستش را بخواهی می خواهم زن بگیرم.
شهلا وجودش لرزیده بود. وجودش پر از اشک شده بود. به مادر یونس پناه برده بود. اما انگار مادر یونس جز سکوت دربرابر او حرفی نداشت.
ـ چه کنم مادر؟
شهلا نمی دانست دربرابر این زندگی چه کار کند. هیچ وقت تا این اندازه مأیوس و درمانده نشده بود. پدرش می گفت:
ـ یک حرفی زده است. نه زن گرفته ونه خرجی ات را کم گذاشته. از خانه هم که بیرونت نکرده است، بنشین و زندگی کن!
شهلا چاره ای جز صبر نداشت. یونس هر شب وهر روز به او توهین می کرد از کوچکترین چیز بزرگترین بهانه ها را می گرفت وآشوب به پا می کرد. شهلا خسته بود. دو بچه قد و نیم قد ومردی که هیچ توجهی به او نداشت امان از او بریده بود.
هر روز که می گذشت بیشتر احساس پیری و درماندگی می کرد. یونس سرش به کار خودش گرم بود. کاری به کار آنها نداشت. خرجی شان را می داد ودنبال زندگی خودش بود. به کسی کاری نداشت. شهلا هم سر در لاک خودش فرو برده بود.
چند سال از این گونه زندگی کردن گذشته بود. آنگار دیگر دیرآمدن های یونس بر روح خسته او کارگر نمی افتاد. سعی می کرد به شوهرش اهمیت ندهد این طور خودش بیشتر احساس آرامش می کرد. یونس از این گونه برخورد کردن شهلا انگار راضی بود.
شهلا خودش را برای میهمانی آماده کرده بود. بعد از چند سال می خواست درمیهمانی یکی از اقوام شوهرش شرکت کند.
جلوی آینه رفت و دستی به سر و صورتش کشید. چقدر پیر وشکسته شده بود. چند بار به تلفن همراه یونس زنگ زده بود. یونس تلفن را جواب نداده بود. ناچار با تاکسی تلفنی خودش را به محل رساند. درمیان اقوام شوهرش احساس بیگانگی می کرد. کنار مادر یونس گوشه ای نشست. کم کم همه به طرفش آمدند وشروع به صحبت با او کردند. شهلا از این که مورد توجه قرار گرفته خوشحال بود.
بعد از خداحافظی با اقوام شوهرش قصد بیرون آمدن از میهمانی را داشت که یکی از دخترعموهای یونس خودش را به او رساند.
ـ شهلا جون! باید حرفی را به تو بگویم.
شهلا یکه خورده بود.
ـ چی شده نسترن جون!
ـ قول می دهی که فقط بین من وتو باشد واز زبان من حرفی نزنی؟
چه راهی داشت جز اینکه این قول را بدهد.
ـ راستش چند سالی هست که یونس به تو بی وفایی کرده و زن گرفته است. از او یک پسر هم دارد.
شهلا هرچه باخودش فکر می کرد بیشتر به احتمال صحت این حرف پی می برد. نگاههای همه با او از سر ترحم و دلسوزی بود. سرش گیج می رفت. انگشتانش را درهم گره کرده شروع به گریه کرد.
یونس دربرابر گریه های شهلا با خونسردی گفته بود:
ـ من که به تو گفته بودم روزی زن می گیرم. من تو را دوست نداشتم. برای همین با کسی که به او علاقه داشتم ازدواج کردم. ازاول هم به تو این مساله را گفته بودم.
شهلا به خودش وجوانی از دست رفته اش فکر می کرد. بیش تر از این نمی توانست این همه حقارت را تحمل کند. چه راهی برایش باقی مانده بود؟ چه حق وحقوق قانونی ای داشت؟ نمی دانست.

فرحناز خسروشاهی
معاون مجتمع قضایی خانواده (۱):

بر کسی پوشیده نیست که والدین جهت خوشبختی و آسایش آتی فرزندانشان از هیچ تلاش و کوششی دریغ ندارند. چه بسا از زمان طفولیت فرزندان خود در فکر انتخاب همسر ایده آل وهمراه زندگی آنها بوده و بعضاً از میان افراد دوست و فامیل کسانی را که مناسب زندگی با فرزندان خود می دانند کاندیدای ازدواج کرده و یا با بر سر زبان انداختن نام آنها زوجیت آتی فرزندانشان را امری حتمی الوقوع و قطعی می پندارند.
نظر بر اینکه در زمینه ازدواج وتشکیل خانواده پس از درنظرگرفتن معیارهای مختلف مانند کفویت و تفاهم وتقارن فرهنگها و... علاقه و خواست طرفین (دختر و پسر) نکته مهم و حائز اهمیتی است که اساس و بنیان زندگی مشترک را تشکیل می دهد. در صورتی که انتخاب والدین از پیش تعیین شده و جنبه جبری وقهری پیدا کند خواست و رکن ازدواج (دختر و پسر) به عنوان زن و شوهر آتی نادیده گرفته شده، چه بسا فرزندان به علل مختلف مانند رعایت احترام والدین و جلب محبت آنها و یا اجباراً تن به ازدواج می دهند لیکن تجربه نشان داده که اینگونه وصلت ها از دوام وقوام محکمی برخوردار نیستند به تدریج بانمودارشدن مشکلات طبیعی در روند زندگی زن یا مرد به جای مدارا و حل مشکل، از زندگی گریخته و دنبال علاج دیگری مانند تجدید فراش (ازدواج مجدد) و یا جدایی می روند. لذا به والدین توصیه می گردد جهت خوشبختی آتی فرزندان خود همواره زمینه و بستر انتخاب احسن را فراهم نمایند. مسلماً تجربه و آگاهی والدین درانتخاب جمع فرزندان بسیار مهم و کارساز خواهد بود. در هرحال حق انتخاب قطعی و حتمی با فرزندان است.
متأسفانه سؤال مطرح شده در مورد خانواده ای است که به جهت ازدواج و انتخاب تحمیلی از طرف خانواده شوهر در معرض از هم پاشیدگی و جدایی است. شوهر خانواده پس از سالها زندگی مشترک با وجود دو فرزند دختر به دنبال انتخاب خود رفته و تجدید فراش نموده. در صورتی که شوهر قصد جدایی وطلاق از همسر اول خود را داشته باشد وفق مقررات قانونی منطبق با قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب سال ۷۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام در دادگاه خانواده طرح دادخواست می نماید. پس از صدور رای قطعی جنین طلاق منوط به پرداخت حق و حقوق قانونی زوجه از مهریه و نفقه و جهیزیه و اجرت المثل سنوات زندگی در صورت استحقاق زوجه می باشد. اگر هم شوهر مالی به نفع زوجه در هنگام ازدواج مورد تأیید و امضای شوهر قرار گرفته باشد مانند پرداخت نصف دارایی در محدوده شرط به نفع زوجه عمل می گردد.
در صورتی که زن بخواهد طلاق بگیرد با مراجعه به دادگاه خانواده و تنظیم دادخواست دعوای طلاق خود را یا الف) به دلیل عسر و حرج ناشی از رفتار زوج مطرح می نماید که در این صورت وفق مواد ۱۱۳۰ و ۱۱۲۹ قانون مدنی دادگاه به بررسی دلایل زوجه پرداخته و اگر عسر و حرج زوجه را تشخیص داد رای به طلاق می دهد. لازم به ذکر است که «عسر و حرج» سختی و مشقتی است که برای زن در زندگی مشترک از ناحیه زوج (شوهر) به وجود آمده و برای زن غیرقابل تحمل است مانند ترک زندگی و عدم ایفای وظایف زوجیت و عدم پرداخت نفقه واعتیاد زوج و... در این صورت لازم نیست زن از تمامی مهریه یا حق و حقوق خود در مقابل طلاق گذشت نماید. ب) اگر در هنگام عقد ازدواج مشروط ضمن عقد مذکور در سند نکاحیه (عقدنامه) مورد تأیید و قبول شوهر قرار گرفته، تحقق هر یک از شروط می تواند مجوز وکالت در طلاق برای زن باشد.
در مانحن فیه با توجه به ازدواج مجدد شوهر چنانچه ازدواج دوم بدون جلب رضایت همسر اول باشد و شرط دوازدهم در عقدنامه به امضای شوهر رسیده باشد زن می تواند به استناد همین شرط به دادگاه مراجعه و تقاضای طلاق نماید.
در زمینه حق وحقوق مالی زوجه در این نوع طلاق می توان گفت که زن از حق مهریه برخوردار است. در مورد مطالبی مانند نفقات گذشته و یا جهیزیه می تواند می نماید که در این صورت وفق مواد ۱۱۳۰ و ۱۱۲۹ قانون مدنی دادگاه به بررسی دلایل پدرشان محفوظ است. دختران تا زمانی که شوهر نکرده و اشتغال به کار ندارند استحقاق نفقه دارند.

مهین دخت داوودی
معاون رئیس کل دادگستری و
معاون مجتمع قضایی خانواده (۲)

یکی از علل ایجاد اختلافات خانوادگی، اختلاف نظر زوجین در مسائل مختلف زندگی و اختلاف در دیدگاه آنان نسبت به مسائل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی و تربیت اولاد و نحوه معاشرت با دیگران وحتی رعایت اصول و قوانین دینی ومذهبی می باشد، متأسفانه در ابتدا و هنگام ازدواج زوجین بعضاً به این امور توجه ننموده و خانواده ها نیز براساس ظواهر وبدون دقت به این مسأله مهم و یا با این تفکر که بعد از ازدواج این اختلاف نظرها حل خواهد شد فرزندان خود را تشویق و یا وادار به تشکیل زندگی مشترک می نمایند و حال آنکه به محض فروکش نمودن احساس اولیه و گذشت مدت زمانی، حتی در همان ماههای اول زندگی زوجین متوجه این اختلاف عقیده و عدم تفاهم اخلاقی می شوند و متأسفانه با گذشت زمان نه تنها این مسأله التیام پیدا نمی نماید، بلکه عمیق تر شده و باعث اختلافات شدید خانوادگی و تنش بین زوجین می شود. به همین جهت توصیه شده که زوجین بایدمسأله کفویت در امر ازدواج را در نظر بگیرند و با کسی پیمان زناشویی ببندند که از جهات مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی خصوصاً رعایت مسائل شرعی و دینی در یک سطح بوده و یا به هم نزدیک باشند و مهمتر اینکه اگر خانواده ها در این امر دخالت دارند به فرزندانشان فرصت بدهند که نسبت به طرف مقابل شناخت لازم و کافی را پیدا نماید وچنانچه